

زیر پرچم امام حسین (ع) سینه زدیم ۴

بچه های کربلایی



سلامانه

راه امام حسین (ع)

بعد از نام و یاد خدای بزرگ و مهربان، سلام می‌کنیم به همه‌ی شما بچه‌ها. امیدواریم که سالم و پرانرژی باشید و بتوانید از لحظه لحظه‌ی زندگی خود به بهترین شکل استفاده کنید. دوستان عزیز بانگهی به دوروبرتان در کوچه و خیابان متوجه می‌شوید که این روزها با آمدن ماه محرم شهر ما حال و هوای دیگری به خود گرفته است.

سردر کوچه و خیابان‌ها، مساجد و حسینیه‌ها با پرده نوشته‌ها و کتیبه‌های مشکی محرم آذین شده است. مردم، در عزای شهادت امام حسین (ع) و خانواده و یاران باوفایشان مثل هرسال لباس عزابه تن کرده‌اند و در مراسم سوگواری ایشان شرکت می‌کنند.

بچه‌ها، شاید برایتان این سؤال به وجود آمده باشد که چرا مردم در هر محرم برای شهیدان کربلا عزاداری می‌کنند. بله دوستان ما برای احترام گذاشتن به امام حسین (ع) که در مقابل یزید ستمگر و فاسد تسلیم نشد، در راه دین خدا با او جنگید و در این جنگ خود و یارانش مظلومانه به شهادت رسیدند، یاد شهدای کربلا را گرامی می‌داریم و راه ایشان را که ایستادگی در برابر ظالمان زمان است ادامه می‌دهیم.



طیبه کلبت



فهرست

- تمرین دویدن در جا ۱۱
- چای صلواتی ۲۱
- جاشمعی عزاداری ۳۱
- بچه‌های کربلایی ۴۱
- حلوای محرم ۶۱
- خواندنیهایی از کربلا ۷۱
- عباس (ع) علمدار کربلا ۸۱
- مانند امام حسین (ع) بایزید زمان می‌جنگیم ۱۰۱
- بایدها و نبایدهای ماه محرم برای ما ۱۲۱
- اری به کار خوب و نه به کار بد ۱۴۱
- سینا پرچم‌دار خیمه ۱۶۱

- صاحب‌امتیاز:
- شهر داری مشهد
- مدیر مسئول:
- سید میثم موسوی مهر
- سر دبیر:
- سید سجّاد طلوع هاشمی
- دبیر ضمائم:
- ارژنگ حائمی
- دبیر کوله پشتی:
- طیبه سادات ثابت
- مدیر هنری:
- سید هاشم دقیق
- گرافیک و صفحه آرایی:
- ملک جمعی
- ویراستار:
- طیبه غلام‌زناپی

- پست الکترونیک:
- sabet@shahrara.com
- نشانی سایت:
- shahraranews.ir/fa/kids
- پيام‌رسان روزنامه: ۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰
- نشانی: خیابان کوهسنگی
- ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱-۵
- داخلی مستقیم کوله پشتی: ۲۷۸
- توزیع و امور مشترکین: ۵-۳۷۲۸۸۸۱-۵
- داخلی ۴۷۱ و ۴۷۲



۲۷ خرداد ۱۴۰۵
شماره ۲۸۸



تمرین دویدن درجا

زنگ ورزش



سلام دوستان ورزشکار و پرانرژی. امیدوارم سالم و سرحال باشید. امروز می‌خواهیم حرکتی انجام دهیم که باعث بهبود دویدن و افزایش سرعت شما می‌شود.

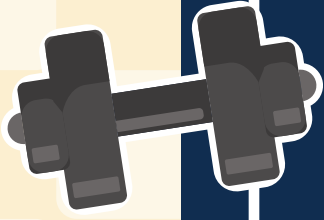
ابتدا در جای خود ثابت بایستید. سپس با شماره‌ی ۱ شروع کنید به حالت دویدن ثابت و درجا، به طوری که پاشنه‌ی پای خود را به سمت باسن پرتاب کنید. تمرکز باید روی سرعت تعویض پاها باشد.

دقت کنید که ۱۰ ثانیه سریع حرکت کنید و ۵ ثانیه استراحت کنید. این کار را تا ۱۰ بار تکرار کنید.

این حرکت چون از سری تمرینات دویدن است، باعث تقویت مچ پاها می‌شود. پس حواستان باشد که روی پنجه و سینه‌ی پا فرود بیایید و حرکت را انجام دهید و از ضربه زدن کف پا خودداری کنید.



نازنین صفاریان



چای صلواتی

شعر

رفتم که بگیرم
چای صلواتی
یک چای پرازهل
یک چای نباتی

در خیمه شنیدم
یک نوحه ی زیبا
هی زمزمه کردم
توی دلم آن را

از چای چشیدم
آهسته و کم کم
آن نوحه چه چسبید
با چای محرم



نیلدا خدایی





جاشمعی عزاداری

بچه‌ها! اگر دوست دارید در مراسم ماه محرم برای خودتان یک جاشمعی ویژه‌ی مراسم عزاداری داشته باشید، همین الان دست به کار شوید.

همه‌ی شما دوستان خوبم، حلقه‌های پلاستیکی یا انگوهای پلاستیکی دوروبرتان به چشم می‌خورد که می‌توانید با استفاده از آن‌ها و یک کارتن مقوایی، همچنین کمی خلاقیت، یک جاشمعی زیبا درست کنید.

ابتدا حلقه‌ی پلاستیکی را روی کارتن بگذارید و با مداد، دور آن را خط بکشید، سپس با قیچی، دور آن را قیچی کنید. روی آن، یک حلقه بچسبانید. حالا سه تا حلقه را مطابق شکل، با چسب کاغذی یا چسب نواری، چند بار دو حلقه بپیچید، سپس به هم بچسبانید. در پایان، صفحه‌ی مقوایی جاشمعی را روی سه پایه بچسبانید. اگر دوست داشتید، می‌توانید آن‌ها را با اسپری رنگ کنید. آفرین حالا شما جاشمعی‌های زیبایی دارید.



چی لازم داریم؟

حلقه‌های پلاستیکی

چسب حرارتی

اسپری رنگی



زیر پرچم امام حسین ^(ع) سینه زدیم

بچه‌های کربلایی

این قسمت: روزه‌ی کربلا

یا ابوالفضل (ع) آورد و من و سجاد هم فرش و لیوان‌های یک بار مصرف را آماده کردیم. حتی یک کلمن بزرگ هم آوردیم تا داخلش شربت خنک بریزیم. پسرخاله‌ام هم گفت: «مداحی با من! من دوره‌ی مداحی تو مسجد مون دیده‌ام. بلدم.» من هم گفتم: «اسم خیمه‌مان را بگذاریم «پسران کربلا»، خودم مقوایش را می‌نویسم.»

خیلی زود همه چیز آماده شد. زمان مراسم عزاداری خیمه‌ی «پسران کربلا» نزدیک غروب شد، با بچه‌های مجتمع فرش را گوشه‌ی حیاط مجتمع پهن کردیم. باد آرامی میان درخت‌ها می‌چرخید و پرچم‌های مشکی بالای سرمان تکان می‌خوردند. کتیبه‌ی یا حسین (ع) را به دیوار بستیم و ظرف خرما را کنار کلمن گذاشتیم. داشتیم روی برگه‌ی سفید با خط خوش می‌نوشتیم «به مجلس عزای امام حسین (ع) و یاران باوفایش خوش آمدید» که پسرخاله‌ام و بعدش پسرعمویم که هم سن و سال بودیم از راه رسیدند.

آن‌ها هم روی فرش نشستند. بعضی‌ها کمک می‌کردند شربت بپخش کنیم. پوریا با ذوق لیوان‌ها را دست بقیه‌ی پسرها می‌داد و می‌گفت: «بفرمایین شربت خنک!»

وقتی علی شروع به خواندن روزه‌امام حسین (ع) کرد، دل‌مان پر از احساس غریبی شد. اشک از چشم‌هایمان بی‌اختیار جاری شد. فکر می‌کردیم چقدر امام حسین (ع) و خانواده و یارانش برای اینکه اسلام را زنده نگه دارند، سختی کشیدند. بعد احسان از روی برگه شعری را مداحی کرد و همه سینه زدیم. پسرعموها و پسرخاله‌ام از بقیه با خرما پذیرایی کردند. مراسم روزه‌ی خوبی شد. آن شب وقتی فرش مراسممان را جمع می‌کردیم، چند همسایه آمدند و به ما خداقوت و قبول باشد گفتند. احساس می‌کردیم چقدر بزرگ شده‌ایم.

هر سال ماه محرم، خانه‌ی مادر بزرگ حال و هوای دیگری دارد. مادر بزرگ مثل هر سال، مشغول آماده کردن وسایل روزه بود. از صبح، صدای جابه‌جایی شدن استکان‌ها و بوی گلاب در خانه پیچیده بود. مامان و پروانه هم کمک می‌کردند. یکی خرماها را داخل ظرف می‌چید و دیگری پارچه‌های کتیبه‌ی مشکی عاشورایی را مرتب می‌کرد. خانم‌ها دسته‌دسته وارد مجلس روزه می‌شدند. من گوشه‌ای ایستاده بودم و به رفت‌وآمدشان نگاه می‌کردم. به پسرخاله‌ام، علی گفتم: «کاش ما هم به روزه داشته باشیم. به روزه‌ی پسرانه برای خودمون. روزه‌ی مادر جون برای خانم‌هاست.» علی چشم‌هایش برق زد و گفت: «پیمان اینکه کاری نداره. می‌تونیم خودمون به روزه راه بندازیم!» گفتم: «چطوری؟ یعنی من و تو می‌تونیم توی حیاط مجتمع به روزه‌ی پسرانه راه بندازیم.» علی گفت: «بله که می‌تونیم. به پسرای فامیل هم می‌گیم.» گفتم: «آره به پسرعموها هم بگیریم تعدادمون زیادتر میشه. بهتره. احسان و چند نفر دیگر از دوست‌ها مون رو هم خبر می‌کنیم که بیان برای کمک.» و این‌طور بود که اولین جرعه‌های برگزاری یک مجلس روزه‌ی کوچک پسرانه زده شد. وقتی از مراسم روزه‌ی مادر بزرگ برگشتیم، از تصمیم خوب و تازه‌مان با پسرخاله گفتم. مامان خیلی خوشش آمد و گفت: «احسنت، چه فکر خوبی، چه کار ارزشمندی، پس حالا دیگه آستیناتو بالا بزن و پای کار باش.» تلفن را برداشتم و یکی یکی به بچه‌ها ماجرا را گفتم. همه موافق بودند و قرار شد همه همکاری کنیم و هرکسی چیزی را بیاورد تا مجلس روزه‌ی امام حسینی پسرانه ما هم راه بیفتد. هنوز فردا نشده، زنگ خانه ما به صدا درآمد.

علی چند پرچم مشکی که رویشان یا حسین (ع) نوشته شده بود، آورد. احسان از خانه‌شان یک کتیبه‌ی



راوی: پیمان





خیمه
پسران
کربلا



یا حسین (ع)

یا ابوالفضل (ع)

تصویرگر: زهرا افطاعی

آشپزی

حلوای محرم

آن روز عصر قرار بود مادر بزرگ و پدر بزرگ و خاله به خانه پیمان بیایند. مادر داشت حلوای نذری درست می کرد. پروانه هم داشت با پوریا بازی می کرد. مادر مقداری شکر را در آب حل کرد و روی گاز گذاشت تا شربت حلو را درست کند. بعد مقداری آرد را الک کرد و داخل یک ماهیتابه ریخت.

آرد را هم زد تا خوب طلایی شود. وقتی شربت غلیظ شد مقداری زعفران و گلاب و هل به آن اضافه کرد. بعد شربت را به آرد اضافه کرد و خوب هم زد تا حلو آماده شود. مقداری روغن هم داخل یک ظرف ریخت. وقتی روغن آب شد، آن را به حلو اضافه کرد. بعد از اینکه حلو سرد شد آن را داخل ظرف ریخت و داخل یخچال گذاشت تا از مهمان ها پذیرایی کنند. بچه ها این روزها حلوای یکی از شیرینی های ماه محرم است. حلوای خانگی، شیرینی سالمی است که می توانید از آن ها استفاده کنید.



چی لازم داریم؟

آرد: ۲ لیوان

آب: یک لیوان

شکر: یک لیوان

روغن مایع: دو سوم لیوان

هل و گلاب: به میزان دل خواه

زعفران: یک قاشق غذا خوری





۲۷ خرداد ۱۴۰۵
شماره ۲۸۸



خواندنی‌هایی از کربلا

اگر جزو بچه‌هایی هستید که علاقه مند به خواندن کتاب‌هایی درباره‌ی واقعه‌ی جان سوز کربلا و آشنایی با قهرمانان عاشورا هستید، خواندن این دو کتاب را که برای شما کودکان نوشته شده است، از دست ندهید.



قهرمانان کربلا

منصوره مصطفی زاده
نشرکتاب پارک ۱۴۰۳

داستان این کتاب درباره‌ی افرادی است که امام خود را یاری کردند و قهرمان شدند. این مجموعه‌ی ۹ جلدی شما را با ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی تعدادی از نزدیکان و یاران امام حسین (ع) از حضرت زینب (س) گرفته تا خُرشید آشنا می‌کند.

خوب است بدانید که این مجموعه در بخش پایانی هر جلد خود، عنوان متفاوتی به نام «بیا باهم فکر کنیم» دارد که با سؤالاتی کوتاه شما را به فکر وامی‌دارد. اگر می‌خواهید بدانید این قهرمانان چه کسانی هستند، این کتاب‌ها را حتماً بخوانید.



بچه‌های عاشورا

طاهره ایید
نشر: به‌نشره ۱۴۰۰

بچه‌های عاشورا مجموعه داستان‌های کوتاهی است که طی آن سرگذشت کودکان و نوجوانان کاروان امام حسین (ع) در کربلا بازگویی شود. این کتاب شامل هفت داستان است که روایتگر حماسه هفت کودک و نوجوانی است که در آن روز در صحنه نبرد حاضر بودند. این کودکان عبارت‌اند از: حضرت علی اکبر (ع)، حضرت قاسم بن الحسن (ع)، جناب محمد فرزند سعید بن عقیل، عبدا... بن الحسن (ع)، پسران مسلم بن عقیل، جناب قاسم فرزند حبیب بن مظاهر و عمرو پسر جناده بن حارث. شما دوست دارید با کدام کتاب شروع کنید؟

معرفی بهترین برادر عباس (ع) علمدار کربلا

پیمان و پروانه از نوحه خوان مراسمی شنیده بودند حضرت عباس (ع) بهترین برادر بوده است. آن‌ها دلشان می‌خواست که بدانند چرا؟ با خودشان می‌گفتند مگر حضرت عباس (ع) چه کار کرده که بهترین برادر دنیا شده است؟



۱

۲

با با داشت آماده می‌شد، برو آتش نشانی. با عجله گفت: حضرت شجاع بود. برای دفاع از برادرش به رفت و تا آخرین لحظه از خانواده‌ی او دفاع قهرمان واقع



پیمان به سراغ دوستانش رفت تا این سوال را از آن‌ها بپرسد.
احسان گفت: حضرت عباس (ع) علم دار بود.
علی گفت: توی جنگ به خاطر برادرش با قدرت پرچم را بالا نگه داشته بود. میلاد هم ادامه داد: امام هم حتماً با دیدن پرچم توی دست برادرش عباس (ع) خیلی احساس افتخار می‌کرد.

۳

۴

مامان بر عباس (ع) بود. دشمن با راترک کند. اما او تا



۵

پیمان و پروانه حالا دیگر خیلی چیزها درباره‌ی برادری حضرت عباس (ع) و امام حسین (ع) می‌دانستند آن‌ها جواب سؤال‌هایشان را گرفته بودند و شکی نداشتند. که حضرت عباس (ع) واقعاً بهترین برادر بود.



۶





مامان گفت: حضرت عباس (ع)
خیلی مهربان بود. او رفت تا برای
چاه های تشنه ی امام
آب بیاورد. وقتی
کنار رود فرات

رسید، با اینکه خیلی تشنه بود، چون
می دانست برادرش تشنه است،
لب به آب نزد و آخرش هم تشنه
شهید شد.



۳



د ایستگاه
عباس (ع)
جنگ دشمن
برادرش و
کرد. او یک
ی بود.



۴

بابابزرگ گفت: حضرت
عباس (ع) فقط برادر
امام نبود. حضرت عباس (ع)
به مسلمان ها یاد داد که رفتار
برادرانه باعث اتحاد بیشترین
آن هاست و این جوری همه ی
مسلمان ها برادر هم هستند.



بزرگ هم گفت: حضرت
خیلی وفادار و قابل اعتماد
و پیشنهاد کرد اگر برادرش
رامان است و با او نمی جنگد.
پذیرفت و در سپاه امام ماند
به شهادت رسید.



کودک دکلمه‌خوان:

مانند امام حسین (ع) با یزید زمان می‌جنگیم

انس باقرآن وائمه (ع) قلب
انسان را روشنی می‌بخشد و سعادت
ارزشمند برای رسیدن انسان به حال خوب
در دنیا و آخرت است. امیرعلی قازری، یازده‌ساله
و کلاس پنجم واحد ۲ دبستان امام رضا (ع) است.
او از کلاس اول در مراسم مدرسه و مسجد
محل دکلمه خوانی می‌کرده است و اکنون
صاحب چند رتبه‌ی برتر این رشته در
شهر مشهد است. گفت وگویی ما
با امیرعلی را دنبال کنید.

راه‌آئمه (ع)

به دلیل اینکه پدرم قاری قرآن و مجری برنامه‌های مسجد
محل مان بود، من هم در مسجد بارها دکلمه‌خوانی کردم و
کم‌کم دکلمه‌خوان شدم. دکلمه‌خواندن، یک متن یا شعر
است که دکلمه‌خوان آن را با شور و احساس به شنونده
منتقل می‌کند. ذکر اهل بیت (ع) و دکلمه‌خوانی هم
من را به قرائت و هم به حفظ قرآن تشویق کرد و الان
بیست سوره از جزء ۳۰ را حفظ هستم.
به رشته‌ی قرائت هم خیلی علاقه دارم و در
مسابقات قرائت ناحیه شرکت کردم و مقام
آوردم. در هنگام قرائت و ترتیل به معنای آیات نیز
توجه می‌کنم. متن دکلمه‌خوانی‌ام را در اینترنت جست‌وجو و
بهترین متن را با کمک پدر و مادرم پیدا می‌کنم. دوست دارم
بیشتر در دکلمه‌خوانی‌هایم درباره‌ی زندگی معصومین
صحبت کنم تا هم خودم با صفات‌آئمه (ع) آشنا شوم و هم
دیگران را آشنا کنم و در زندگی از این صفات بهره ببریم.
در ماه محرم هم بارها مداحی کرده‌ام و وقتی درباره‌ی
امام حسین (ع) مداحی می‌کنم خودم را در صحرای کربلا
می‌بینم و می‌دانم امام حسین (ع) چقدر از ظلم یزیدیان
اذیت شده‌اند.



شبانگ کرمی





۲۷ خرداد ۱۴۰۵
شماره ۲۸۸

اثراين رابطه‌ی قلبی

رابطه‌ی قلبی من با ائمه (ع) خیلی در موفقیتیم تأثیرگذار بوده است و هر زمان از ائمه اطهار به ویژه امام رضا (ع) حاجتی را خواسته‌ام به من داده‌اند. کلاس اول در مسابقات دست نوشته‌های طلایی (خط تحریری) رتبه‌ی اول شهرستان مشهد در سال ۱۴۰۱ را آوردم. کلاس دوم در مسابقات اذان شهرستان سال ۱۴۰۲ رتبه‌ی دوم را آوردم. کلاس چهارم در مسابقات قرائت ناحیه در سال ۱۴۰۳ رتبه‌ی سوم را آوردم. امسال هم در مسابقات دکلمه خوانی در ناحیه رتبه‌ی اول را کسب کردم. برای پیشرفت‌هایم اول از پدر و مادرم بسیار متشکرم که خیلی به من کمک کرده‌اند. سپس از برادر عزیزم ابوالفضل سپاسگزارم که به من در مقام‌های کسب شده‌ام کمک کرده است. از استادانم

در مدرسه؛ استاد نعمتی، استاد رضایی و استاد برجی و همچنین خانم پورعلی معلم پرورشی هم قدر دانی می‌کنم. از دوستانم نیز می‌خواهم که همیشه با قرآن همراه باشند و با آن انس بگیرند. هر جا که به در بسته‌ای خوردند از ائمه (ع) کمک و یاری بجویند و در محافل قرآنی و مسجد شرکت کنند.



پذیرای مردم

انس با ائمه (ع) و قرآن کریم سبب آرامش در من شده است، آن قدر که وقتی به خانه می‌آیم برای خانواده‌ام نیز می‌خوانم. هنگام اجرا، مخاطبانم خیلی تشویقم می‌کنند و به دکلمه‌ام گوش می‌دهند. با هیئت‌های مذهبی ارتباط زیادی دارم. در هیئت ثامن الحجج (ع)، مسجد محله قلبی در مراسم مذهبی به ویژه تاسوعا و عاشورا دکلمه خوانی می‌کردم و زمان نمازها به مسجد می‌رفتم و سجاده‌ها را برای نماز آماده می‌کردم. در مناسبت‌ها در هیئت جای می‌دهم و مردم را پذیرایی می‌کنم، کفش‌ها را مرتب می‌کنم، مکبری می‌کنم و....



راهی برای شکست دشمنان

امام حسین (ع) مانند پدر بزرگوارشان که در خیبر را کُشد، قوی و شجاع بودند و در برابر ظلم تا آخرین قطره خون ایستادند و کوچک‌ترین فرزند خود یعنی حضرت علی اصغر (ع) شش ماهه را نیز فدای اسلام کردند تا به ما نشان دهند با ظالمانی مانند آمریکا و اسرائیل که یزید زمان ما هستند بجنگیم. به امید روزی که مسلمانان، دشمنان اسلام را شکست دهند. به قول رهبر شهیدمان که فرمودند: کسی مثل من با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند؛ ما نیز با یزیدیان زمانه بیعت نمی‌کنیم.

دلیل موفقیت

کنار دکلمه خوانی در آزمون‌های جامع مرآت که در مدرسه برگزار می‌شود رتبه‌ی اول را کسب کردم و در کلاس هم شاگرد ممتازی هستم. علاوه بر موفقیت درسی می‌خواهم در دکلمه خوانی هم پیشرفت کنم و یک دکلمه خوان مشهور مانند صابر خراسانی شوم. دلیل این موفقیتیم را یاری خداوند و ائمه (ع)، دعای خیر پدر و مادرم و تلاش و پشتکار خودم می‌دانم. من با پشتکار و برنامه‌ریزی دقیق به همه‌ی کارهایم می‌رسم. وقتی دوستانم می‌بینند که من رتبه آورده‌ام آن‌ها نیز از من کمک می‌خواهند و مشتاق می‌شوند که در آن رشته کمکشان کنم.



بایدها و نبایدهای ماه محرم برای ما

محرم ماه عزاداری امام حسین (ع) است. بچه های عزیز حتما شما هم در این ماه به یاد امام حسین (ع) در هیئت های عزاداری شرکت می کنید. راستی درباره ی کارها و آداب عزاداری چه می دانید؟ نباید موقع روضه خوانی سرو صدا کنیم یا رفتار بدی داشته باشیم. باید با ادب و احترام بنشینیم و به روضه گوش کنیم.



عزاداری ما نباید باعث ناراحتی بقیه شود. نباید با ریختن زباله و ظرف نذری در کوچه کار پاکبان ها را بیشتر کنیم. نباید موقع عزاداری سروصدا ی زیادی راه بیندازیم و دیگران را اذیت کنیم.



خوب است بتوانیم در عزاداری لباس مشکی بپوشیم، اما لازم نیست حتماً طبل و زنجیر و این جور چیزها داشته باشیم.



خیلی ها در عزاداری محرم نذری می دهند. این خیلی خوب است. ما هم می توانیم یک نذری کوچک داشته باشیم. اگر رفتیم نذری بگیریم هم بهتر است به جای چند ظرف نذری یک ظرف بگیریم.





ما عزاداریم. سعی کنیم خوش اخلاق و خوب باشیم. فکرهای خوب بکنیم و با همه مهربانی کنیم. نباید داد بکشیم و سر طبل و پرچم عزاداری جلوی همه با دوستان دعا کنیم.



قشنگی مراسم عزاداری ماه محرم به این است که دسته جمعی باشد و همه با کمک هم مراسم را برگزار کنند. خوب است شب‌های محرم توی خانه نماییم و با بزرگ‌ترها هیئت برویم.



اگر همه‌ی این کارها را از ته دلمان انجام بدهیم و چیزی را فراموش نکنیم، حتماً یک عزادار خوب می‌شویم. امیدوارم عزاداری همه‌تان مورد قبول خدا باشد!



آری به کار خوب و نه به کار بد

کمیک

این روزها که به خاطر ماه محرم بیشتر درباره‌ی امام حسین (ع) می‌شنویم، خوب است که به سخنان و رفتار امام حسین (ع) هم فکر کنیم و از ایشان کارهای خوبی مثل امر به معروف و نهی از منکر را یاد بگیریم. امام حسین (ع) همیشه می‌فرمودند که می‌خواهند مردم را به کارهای خوب دعوت کنند و آن‌ها را از کارهایی که درست نیست دور کنند. شاید فکر کنید که این کار فقط مخصوص آدم بزرگ‌هاست، اما بچه‌ها هم می‌توانند دوستانشان را به کارهای خوب و درست تشویق کنند و اگر دیدند کاری اشتباه است، با مهربانی به آن‌ها یادآوری کنند.



مرجان اسماعیلی



۱ مگه قرار نبود سعید بیاد بریم دوچرخه سواری؟

۲ چرا ولی باباش رقتن بیرون.

۳ پس ما دوچرخه سعید رو برداریم بریم پارک.



۵ ای بابا، فقط به ساعت می‌بریمش و برمی‌گردونیم. من خودم براش توضیح میدم.

۴ یعنی بدون اجازه؟ کار درستی نیست. ناراحت میشه.



۷ پیمان، سعید دوستمونه. می‌دونم که ناراحت نمیشه. من تا یک ساعت دیگه باید برگردم خونه بیا بریم بازی.

۶ کاش صبر کنیم تا برگرده بهتر نیست؟ من باشما نمیام.





۱۱

واااا...
دسته اش رو نگاه کن...
کج شده!

۱۰

آخ! اصلا
ندیدم... حواسم نبود...



۹

من واقعا ناراحتم
بچه ها که اجازه نگرفتیم.

۸

ببین چه
سرعتی داره!



۱۲

حالا چیکار کنیم؟
همش تقصیر من بود.

۱۳

کار خوبی نکردیم
دوچرخه رو برداشتیم. حالا سعید
اومد باید ازش معذرت خواهی
کنیم.



۱۴

سعید، ما نباید بدون
اجازه دوچرخه رو می بردیم.

۱۵

کاش صبر
می کردین خودم پیام بعد
با هم می رفتیم.



۱۷

قرار شد با پول
توجیبی هامون تعمیرش
کنیم.

۱۶

حق با تونه.

۱۸

خوبه پس!
تعمیر که شد با هم می ریم
دوچرخه سواری!

سینا پرچم دار خیمه

روایت



همه‌ی مامی دانیم که ماه محرم، برای مسلمانان اهمیت ویژه‌ای دارد. در این ماه مردم با برپایی مراسم سخنرانی و مجالس روضه خوانی و شرکت در برنامه‌های سوگواری، بیشتر با شخصیت والای امام حسین (ع)، دلیل قیام عاشورا و شخصیت یاران باوفای ایشان آشنا می‌شوند و از آن‌ها درس ایمان، شجاعت و ایستادگی در برابر ظالم می‌گیرند. همه‌ی ما دوست داریم وقتی در عاشورا نبوده‌ایم تا به امام حسین (ع) و کاروان کربلا یاری برسائیم، امروز در زمان خود برای شناساندن راه درست امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) و یارانش و همچنین بازگو کردن زشتی‌های کاربیزید و جنایت‌هایش به خاندان پیغمبر (ص) کاری انجام دهیم و قدمی کوچک برداریم.



طوبه ثابت

اسم این پسر پرانرژی و خوب سینا بیاتی است. سینا ۱۰ ساله است و یک برادر کوچولو به نام نیما دارد. یکی از اخلاق‌های خوب سینا این است که اهل مطالعه و عاشق خواندن کتاب‌های خوب است. سینا همیشه خلاصه‌ی کتابی را که خوانده است برای بقیه تعریف می‌کند.



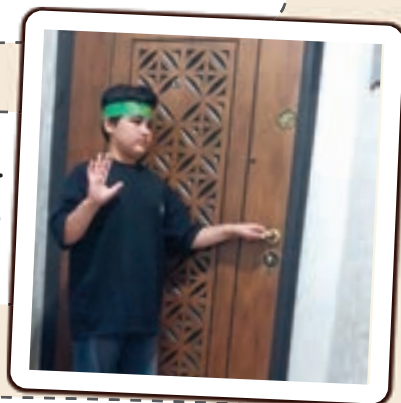
محبت و ارادت به اهل بیت (ع) مخصوصا امام حسین (ع) توی خون ورگ همه ماست. با آمدن ماه محرم، سینا برای شرکت در مراسم عزاداری و روضه لحظه شماری می‌کند و الان هم با نظارت مادر، خودش دارد لباس مشکی‌اش را اتو می‌زند.



برای رفتن به حسینیه و شرکت در مراسم روضه‌ی امام حسین (ع) و یاران باوفایش، سینا عادت دارد وضو بگیرد. چه کار خوبی. تمیز و مطهر بودن نشانه‌ی دین ماست.



سینا بعد از اینکه لباس مشکی اش را می پوشد، با دقت سر بندش را به پیشانی اش می بندد تا نشان دهد دیگر بزرگ شده است و می خواهد توی خیمه‌ی امام حسین (ع) خدمت کند.



خانواده و احترام به اهل آن یکی دیگر از ویژگی های اخلاقی سیناست. همان طور که زمان ورود به خانه سلام را فراموش نمی کند، زمانی که می خواهد از خانه بیرون برود هم با بقیه خدا حافظی می کند.



سینا پسری است بسیار اجتماعی، به راحتی با دیگران ارتباط برقرار می کند و در جمع نظراتش را می گوید. او عاشق کارهای گروهی است و اگر در گروه مسئولیتی را بر عهده اش بگذارند، تمام تلاشش را می کند تا آن کار را درست انجام دهد. سینا هیچ وقت از خدمت کردن به عزاداران مجلس امام حسین (ع) خسته نمی شود و به این کار خود افتخار می کند.

به نظر سینا ماه محرم ماهی است که می شود از آن و شخصیت های کربلا درس های بزرگی گرفت. او عاشق پرچم گردانی در مراسم مذهبی است.



